

گونه‌شناسی سازمان فضایی و سلسله مراتب ورود در خانه‌های ایرانی با تاکید بر حریمیت

میترا غفوریان^{*}، مینا پی‌سوخان، الهام حساری

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

کارشناس ارشد معماری، مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی آبا

کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد

دریافت: ۹۴/۳/۷ پذیرش: ۹۶/۸/۱۵

Typology of Spatial Configuration and Hierarchy of Entry in Iranian Houses: Concentrating the Issue of Privacy

Mitra Ghafourian^{*}, Mina Peysokhan, Elham Hesari

Assistant Professor, Architecture, Elm o Sanaat University

M. A. of Art, Architecture, Aba Nonprofit Institute

M. A. of Art, Architecture, Azad University

Received: (28/May/2016)

Accepted: (6/Nov/2017)

Abstract

The issue of privacy has always been regarded as an essential criterion in designing and constructing Islamic cities. Since the existing pattern of house-building in Tehran tends to neglect the privacy principle, there exists a necessity to reintroduce it in modern Iranian architecture and culture. The present study aims at investigating the issue of privacy in houses located within traditional parts of Tehran via analyzing typology. This would help the residents of those areas to renew and reapply the privacy principle at their residential apartments. In the present study a functional approach was adopted accompanied by a descriptive-analytical method of analysis. Using maps and field observations, houses from both traditional and modern era were selected in two quarters of Sanglaj and Imamzadeh Yahya in Tehran. The process of typology of entrance spaces was conducted based on the hierarchy of entry. The research findings indicate that there exists a kind of hierarchy of entrance in traditional houses based on the needs of their residents which is missing in modern houses, because it is neglected by the designers. Through creating such spatial features in entrance spaces, not only privacy is enhanced but also a proper definition of private and semi-private spaces can be achieved. Privacy enhancement will be effective to prevent the interruption in functions of other spaces. Accordingly, recognizing the spaces of entry can lead to providing a more appropriate pattern for enhancing privacy.

Keywords: Privacy, Typology, Entrance space, Housing, Hierarchy.

چکیده

حریمیت و حریم خصوصی یکی از معیارهای مورد توجه طراحی و ساخت شهرهای اسلامی بوده است. از آنجا که الگوی خانه‌های معاصر تهران تا حدودی گواه بر بی‌توجهی به اصل حریمیت در معماری و فرهنگ ایران است، ارائه الگویی برای حفظ حریمیت در خانه‌های امروزی براساس گونه‌شناسی مسکن، یکی از ضروریات مهم به نظر می‌رسد. هدف از پژوهش حاضر بررسی موضوع حریمیت در خانه‌های بافت تاریخی تهران از طریق گونه‌شناسی است، که می‌تواند سبب بازیابی آن برای ساکنان این محدوده‌های مسکونی شود. برای این منظور، خانه‌های تاریخی و معاصر دو محله سنگلج و امامزاده یحیی، واقع در منطقه ۱۲ تهران، با بررسی نقشه‌ها و بازدیدهای میدانی انتخاب شدند. سپس گونه‌شناسی فضاهای ورود بر اساس سلسله مراتب ورود به خانه مورد مطالعه و بدین وسیله سیر تحول این فضاها در خانه‌های این دو محله مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در خانه‌های تاریخی تهران، سلسله مراتبی در ورود به خانه متناسب با نیازهای ساکنان وجود داشته که کمتر در اولویت توجه طراحان امروزی قرار گرفته است. از این رو، با ایجاد سلسله مراتب در فضای ورود، علاوه بر ایجاد حریمیت، می‌توان به تعریف درستی از فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی در خانه دست یافت و از اختلال در کاربری و هویت دیگر فضاها جلوگیری به عمل آورد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بازشناسی فضاهای ورود می‌تواند منجر به ارائه الگویی برای دستیابی به حریمیت شود، که اصلی جدا نشدن از هویت در معماری و فرهنگ ایرانی است.

واژه‌های کلیدی: حریمیت، گونه‌شناسی، فضای ورود، مسکن، سلسله مراتب.

*Corresponding Author: Mitra Ghafourian

E-mail: mt.ghafourian@yahoo.com

* نویسنده مسئول: میترا غفوریان

مقدمه

حفظ حریم خصوصی خانواده همواره عملکرد اصلی خانه های سنتی بوده است. خانه ایرانی همیشه جلوه‌گاه مستقیم ارزش‌های معنوی و فرهنگی و شیوه زندگی بود. متأسفانه، در عصر حاضر، حریم خصوصی قربانی عوامل اقتصادی و اجتماعی شده است و اولویت برای استقرار فضاهایی که حریم خصوصی را حفظ کند، به تدریج تقلیل یافته است و خانه‌هایی بیگانه با فرهنگ ملی و بومی ساخته شده است.

فضاهای ورودی خانه‌های امروزی احساس داشتن حریم را ایجاد نمی‌کند. در معماری سنتی ایران، فضاهایی مانند پیش ورودی، هشتی، حیاط‌ها و دالان‌ها مجموعه‌ای از فضاهای حد واسط را به وجود می‌آوردند که فرد را از فضای شهر به فضای شخصی می‌رساند. این سلسله مراتب در ورود به خانه، هم اکنون تبدیل به تنها یک در شده است، که مرز بین فضای عمومی شهر و فضای خصوصی خانواده است. حذف سلسله مراتب ورود همچون واقع‌ای می‌تواند به تغییر طرز تفکر ایرانی منجر شود و تأثیرات بسیار مخربی را در نبود معادلی برای آن به بار آورد، که نه تنها باعث از بین رفتن حریم بلکه موجب تعریف نادرست فضاهای اصلی می‌شوند.

عدم توجه به نظام سلسله مراتب ورود در خانه‌ها، می‌تواند اختلال در عملکردها را به دنبال داشته باشد. با نگاهی به خانه‌های قدیمی با مجموعه‌ای از فضاهای واسط مواجه هستیم که نه تنها فضایی برای مکث به شمار می‌آیند، بلکه موجب عدم اشراف فضاها به یکدیگر می‌شوند. اما در بررسی‌های خانه‌های معاصر کمبود این فضاها به شدت احساس می‌شوند.

واژه تیپولوژی یا گونه شناسی در فرهنگ غربی از ریشه تایپ^۱ گرفته شده است. واژه تایپ نیز خود برگرفته از ریشه یونانی تپس^۲ و تپیس^۳ در زبان لاتین است. در

زبان انگلیسی معادل واژه‌های مدل^۴، نمونه^۵، فرم^۶، دسته^۷، نماد^۸ و ویژگی^۹ قرار دارد. این واژه با دیگر واژه‌ها ترکیب شده و واژه‌های ترکیبی نو را پدید آورده است. هر کدام از این واژه‌ها بار معنی خاص خود را دارند (معماریان، ۱۳۸۸).

از اواسط قرن هجدهم در معماری و باستان‌شناسی از گونه‌شناسی به عنوان ابزاری برای شناخت و دسته‌بندی بهره‌گرفته شد. حدود ۲۵۰ سال است که گونه‌شناسی در حوزه علوم مطرح شده است. دسته‌بندی علمی لینه سوئدی در علم گیاه شناسی باعث شد که دیگر دانشمندان نیز به این اقدام دست بزنند و از اواخر قرن هجدهم میلادی به معماری نیز سرایت نماید. اشاره و توجه به گونه‌شناسی در نوشته‌های قدیمی از حدود دو هزار سال پیش به این طرف در آثار نویسندگان معمار نیز دیده می‌شود. ویتروویوس^{۱۰}، در اثر مشهور خود با عنوان ده کتاب معماری، از حدود ۲۰۰۰ سال پیش گونه‌های مختلف بناهای یونانی شامل خانه‌ها، معابد و ساختمان‌های عمومی را گروه‌بندی نموده است. هر کدام از اینها نیز به زیر گروه‌هایی تقسیم شده‌اند. برای نمونه خانه‌ها به دسته‌های حیاط دار و بدون حیاط و یا براساس مکان قرارگیری آنها در شهر و روستا آمده است. خانه‌های حیاطدار به پنج گونه تقسیم‌شده و معابد نیز بر اساس تعداد ستون‌های بیرونی و نظام‌های چهارگانه کلاسیک یونان به انواع خاصی تقسیم شده‌اند. یکی از جالب‌ترین کارها را در زمینه معماری در ایران، غیاث‌الدین جمشید کاشانی انجام داده است. یکی از کتاب‌های او مفتاح الحساب است. او در این کتاب بخشی را به محاسبه هندسی قوس (تاق)، تاق (ازج)، گنبد و مقرنس اختصاص داده و جداول محاسباتی بسیار جالبی را ارائه می‌دهد (معماریان، ۱۳۹۱).

4. Model
5. Exemplar
6. Form
7. Class
8. Symbol
9. Character
10. Vitruvian

1. Type
2. Topos
3. Types

پنهان خانوار (اویکاس/ بوم) تمایز قایل شده است. در فرهنگ لغت مریام وبستر^۲ (۲۰۰۹) «حریمیت» به عنوان کیفیت یا حالتی از وجود/ بودن در نظر می‌گیرد که از همراهی با جمع یا مشاهده شدن برحذر می‌باشد؛ یعنی آزاد از دخول سرزده و بدون اجازه و مکان انزواست؛ اما به درستی مشخص نکرده که آیا این توصیف مربوط به افراد است یا اشیاء فرهنگ آکسفورد^۳ (۲۰۰۹) نیز حریمیت را حالت یا شرایطی از بودن/ وجود تنها، بدون مزاحمت یا آزاد از هرگونه توجه و نگاه عمومی در چارچوب موضوعیت حق و انتخاب تعریف می‌کند؛ یعنی آزادی از مداخله و دخول بدون اجازه.

کامینسکی^۴ (۲۰۰۳) معتقد است که برای برخی افراد، حریمیت به حق به منظور جلوگیری از تماس یا همجواری توسط افراد دیگر بدون رضایت تبدیل شده است. نیول^۵ (۱۹۹۸)، همچنین حریمیت را شرایط موقت و داوطلبانه جدایی از قلمرو عمومی تعریف می‌کند. این عبارت با واژه «انزوا» پیوند داشته و با مفاهیم اشتراکی، عمومی و اجتماعی در تضاد است (Georgiou, 2006). در تعریفی دیگر، گیفورد^۶ (۱۹۹۷)، حریم خصوصی را ناشی از گرایش ما در کنترل محیط می‌داند. از نظر وی، حریم خصوصی مکانی برای بیان اسرار و نظرخواهی از دیگران، تفکر در وجود خود و تعیین نوع ارتباط با دیگران بوده و باعث بالا رفتن قدرت تصمیم‌گیری و محل آزاد شدن هیجانات ماست. مهیا بودن شرایط ایجاد حریم خصوصی و استقلال در یک مکان از عوامل مهم تعیین محل زندگی است.

همچنین در تعریف راپوپورت^۷ (۱۹۶۸) حریمیت به عنوان توانایی در کنترل روابط اجتماعی و قدرت انتخاب میزانی دلخواه از این روابط، تعریف شده است و به زعم جان لنگ^۸ (۱۹۸۷) نیز عواملی مثل حریمیت، فضای

می‌توان گفت اندیشه دسته‌بندی بناها براساس وجوه مشترک آنها از حدود سه دهه پیش در ایران شکل گرفته است. این موضوع، به طور جدی، نخست در دانشکده‌های معماری و شهرسازی مطرح شد و محصول آن چند پایان نامه کارشناسی ارشد بود. در کنار این فعالیت‌ها می‌توان به مطالعات جغرافیایی درباره شهرها و روستاهای ایران اشاره کرد. گونه‌شناسی یا «نمون-شناسی» بخشی از این مطالعات را در بر می‌گیرد. با توجه به اینکه انتظار نمی‌رود تمرکز جغرافی‌دانان بر گونه‌شناسی توصیف روی موضوعات معماری عمیق باشد، معمولاً گونه‌شناسی توصیف ساده‌ای از ویژگی‌های یک بنا را شامل می‌شود. یکی از این مطالعات درباره مسکن در روستای کندوان صورت گرفته است. ویژگی-های کلی خانه‌های صخره‌ای این روستا، مانند تعداد طبقات، فضاهای بسته همچون انباری طویله و عناصر مانند ورودی و طرز قرارگیری اشیاء داخلی مورد بررسی قرار گرفته و توصیفی از آنها ارائه شده است (همایون: ۱۳۵۶).

در این بین حریمیت به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی معماری ایرانی- اسلامی همواره مورد توجه محققان و طراحان بوده است. بحث حریمیت و حریم خصوصی به عنوان یک علاقه اساسی انسان در همه فرهنگ‌ها دیده شده‌است. در معماری و شهرسازی غرب حریمیت آن چنان که در معماری ایرانی - اسلامی دارای عمق و بعد وسیعی است، مورد توجه قرار نگرفته است. تحقیقات نشان می‌دهد که در معماری و شهرسازی مغرب زمین این مفهوم از زاویه Privacy ('prɪvəsi) و Security (sɪ'kjʊərɪti) با عنوان حریم خصوصی مطرح شده است. در دایرةالمعارف فلسفی / استنفورد^۱ (۲۰۱۴)، ریشه تاریخی این مفهوم را در مباحث مشهور فلسفی ارسطو بررسی کرده است؛ به ویژه آنجا که مابین قلمرو عمومی فعالیت سیاسی یا عینیت/ ظاهر (مفاهیم آگورا و پلیس/ شهر دولت) و قلمرو خصوصی مرتبط با خانوار و زندگی خانوادگی یا دنیای

2. Merriam Webster Online
3. Oxford English Dictionary
4. Kaminsky
5. Newell
6. Gifford
7. Rapoport
8. John Lang

1. Stanford Encyclopedia of Philosophy

خصوصی و حس مالکیت روی درک ما از راحتی و کیفیت فضا تأثیرگذار هستند. همچنین وی معتقد است که همه تعاریف محرمیت یک وجه مشترک دارند و نکته مهم در تمامی این تعاریف، توانایی شخص یا گروهی از اشخاص در کنترل مناسبات اجتماعی، دیداری، شنیداری و حسی با دیگران است.

در تعاریف بالا، نکته مهمی وجود دارد؛ که آن جهت‌گیری اصلی مفهوم محرمیت در راستای تمایز میان دو عرصه اصلی زندگی است. عرصه عمومی که فضاهای اجتماعی را دربرمی‌گیرد و عرصه خصوصی که شامل فضاهای خاص زیست افراد و خانوارهاست. چنین نگرشی، محرمیت را نه تنها با مفهوم صمیمیت، بلکه با شیوه کنترل روابط شخصی افراد با دیگران، به‌ویژه با دنیای خارج از قلمرو خصوصی مرتبط می‌کند (Madanipour, 2003). همچنین، نگرش یادشده ارتباط قوی محرمیت را با رفتار و فعالیت‌هایی که امکان یا عدم امکان دسترسی به افراد یا مکان‌ها و اطلاعات را میسر می‌سازد، نشان می‌دهد. در کل، «محرمیت فرایند تنظیم تعامل با دیگران، یعنی فرایندجدلی کاهش یا افزایش روابط (هر دو جنبه کلامی و غیر کلامی) است» (Witte, 2003) که شامل «هم تحدید تعامل و هم طلب آن است» (Altman, 1975). با توجه به این بررسی و چشم‌انداز مفهوم محرمیت انسانی، ابوغزه^۱ (۱۹۹۵) برای محرمیت سه کارکرد محدود کردن تعامل اجتماعی، تثبیت راهبردهایی برای مدیریت تعامل و نگهداری و توسعه هویت شخصی را تعریف کرده است.

علاوه بر این، در برخی مطالعات غربی، به جای اشاره مستقیم به مفهوم محرمیت، مفاهیم قلمروپایی و فضای شخصی را مورد تأکید قرار داده اند. بل^۲ (۲۰۰۰) در مطالعات خود، قلمروپایی و فضای شخصی را دو شیوه‌ای که در آن افراد انواع مختلفی از آستانه‌ها/محدوده‌ها را در محیط برای تنظیم تعامل خود با دیگران مطرح می‌کند. این دو، به طور ضمنی، مفهوم محرمیت را

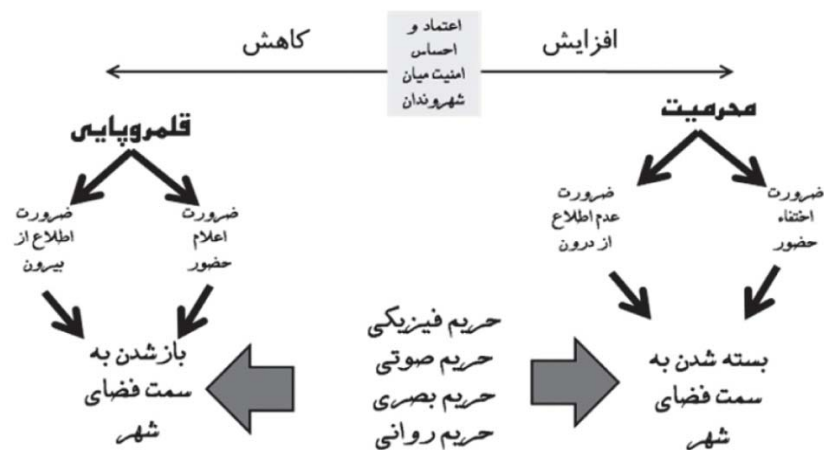
که واجد ابعادی مکانی و اجتماعی است، تعریف می‌کند. براساس دیدگاه آلتمن^۳ (۱۹۷۵)، این دو همچون مکانیسم تنظیم آستانه‌ای عمل کرده تا سطح مورد انتظار محرمیت شخصی و گروهی مشخص گردد. البته در مبانی اسلامی میان قلمروپایی و محرمیت تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد به نحوی که قلمروپایی منجر به باز شدن به فضای شهری می‌شود، درحالی‌که محرمیت به بسته شدن به سمت فضای شهری متمایل است (ناری قمی، ۱۳۸۹: ۷۶). از این‌رو، می‌توان مطرح کرد که فقدان مرجع مستقیم در زمینه محرمیت در مطالعات عمدتاً با ماهیت محیط ساخته شده، به ویژه تداخل حوزه‌های خصوصی و عمومی در فرهنگ غرب ارتباط پیدا می‌کند که از قرن هجدهم به بعد تغییر کرده است. بهای این تغییر را حوزه خصوصی پرداخته زیرا که «نهاد خانواده کنترل انحصاری خود بر قلمرو خصوصی‌اش را با تضمین دسترسی به حوزه عمومی از دست می‌دهد». و، در نتیجه، این زمینه فرهنگی دوگانگی فضای عمومی و خصوصی کمرنگ شده است (Parker, 2004). به همین سبب، ارجاع مستقیم به مفهوم محرمیت که بیشتر با قلمرو خصوصی در ارتباط است، در فرهنگ غربی تا به امروز نادیده گرفته شده است. شکل (۱) تفاوت نیازمندی‌ها در دو ویژگی رفتاری انسان - مفاهیم «محرمیت و قلمروپایی» را که غالباً در نوشتارهای رفتارشناسی محیطی، همسو و هماهنگ دانسته می‌شود و نقش این الزامات را در رابطه درون و بیرون نشان می‌دهد.

ویژگی‌ها و اصول معماری سنتی ایران که در شکل دادن به مسئله محرمیت در کالبد معماری موثر بوده‌اند، در سه دسته کلی سلسله مراتب، درون گرایی و نفوذپذیری بصری قابل تفکیک است (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر، به طور خاص، به بررسی تأثیر اصل سلسله مراتب در ایجاد محرمیت و حریم خصوصی در خانه‌های ایران پرداخته شده است.

1. Abu-Gazze

2. Bell

3. Altman



شکل ۱. تفاوت مفاهیم محرمیت و قلمروپایی در نوع رابطه درون بیرون

مأخذ: ناری قمی، ۱۳۸۹: ۷۶

نموده و اجزاء آن با توجه به ویژگی‌های خاص به خصوصیات کالبدی و نمادین فضاهای متوالی و مجاور مربوط می‌شود.

طبیعت مسکن خلوت و آرامش خاص خود را طلب می‌کند که با خلوت و آرامش ابنیه عمومی به طور کامل متفاوت است. از این رو، سلسله مراتب فضایی برای ارتباط به داخل ساختمان و فضای خصوصی که از آن تحت عنوان سلسله مراتب فضایی یاد می‌شود (طیبیان، ۱۳۹۰) در بسیاری از نمونه‌های موجود در واحدهای مسکونی بافت‌های تاریخی شهری ایران قابل مشاهده است.

ایجاد سلسله مراتب فضایی به منظور حفظ محرمیت از دیرباز مورد توجه بسیاری از طراحان در سراسر جهان به خصوص در سرزمین‌های اسلامی همچون ایران قرار گرفته است. درواقع این اصل یکی از اصول به کار رفته در هنرهای سنتی است. این هنرها نه تنها در ساختار شکل‌گیری خود، مبتنی بر اصول سلسله مراتبی هستند، بلکه با هارمونی ساری و جاری در عالم و سلسله مراتب وجودی که بالاتر از مرتبه مادی مربوط به آن قرار دارد نیز، منطبق و هماهنگ می‌باشند (نصر، ۱۳۸۰). باید اذعان کرد که اصل سلسله مراتب به عنوان یکی از اصول اساسی حاکم بر هنرهای سنتی، بیشترین تأثیرات را در شکل‌گیری محرمیت در کالبد معماری سنتی ایران را دارا می‌باشد. از این رو، به منظور درک بهتر سلسله مراتب در

سلسله مراتب یکی از اصول حاکم بر مجموعه‌ها، اجزا و پدیده‌هایی است که یا به طور طبیعی در جهان هستی به عنوان یک کل وجود دارند و یا به دست انسان طراحی و ایجاد می‌شوند و با توجه به آنکه اصولاً هستی موجودات در کائنات تابع سلسله مراتبی متقن و تعریف شده است، نقش غیرقابل انکار آن در تعریف اجزاء کل یک مجموعه و هویت‌بخشی به آنها قابل ذکر است. در بخش‌های مختلف مرتبط با فرهنگ اسلامی همانند بسیاری از مکاتب، به‌ویژه آن دسته که سه قلمرو عمده مادی (جسمانی)، روانی (نفسانی) و معنوی (روحانی) برای زندگی انسان قائل هستند، اصل سلسله مراتب از اهمیت خاصی برخوردار است (سیفیان، ۱۳۸۶). در جهان‌بینی اسلامی و به خصوص در عرفان اسلامی، طی مدارج و منازل گوناگون، در یک سلسله مراتب خاص شناخته می‌گردد و هر منزل و هر فضا و هر حریمی با ویژگی‌های خاص خود به عده‌ای خاص تعلق دارد که تا تحصیل شایستگی‌ها و بایستگی‌های لازم امکان وصول به آن، و همچنین، عبور از آن برای رسیدن به منزل بالاتر میسر نیست (نقی‌زاده، ۱۳۷۹). از این رو، باید عنوان داشت که در جهان‌بینی اسلامی، در عالم وجود، هر شیئی مکان و مقامی خاص را برای خویش داراست، که ارزش و موقعیت این مکان و مقام با توجه به ویژگی‌های مراتب وجود مشخص می‌شود. محیط مصنوع نیز از این قانون تبعیت

معماری، در ادامه به تشریح آن پرداخته خواهد شد.

در معماری سنتی ایران هر فضا هویت ویژه خود را داراست. از هنگام ورود به فضا بخش‌های مختلف به دنبال هم قرار گرفته‌اند تا با ایجاد سلسله مراتب فضایی مناسب به کالبد مجموعه شکل دهند. این امر بدین گونه در معماری سنتی ما انجام پذیرفته است:

مرزبندی فضاها با کالدهای تعریف شده و روشن بودن مرز میان فضاها؛

- بهره‌گیری از فضاهای واسط و فاصله‌انداز به نام «میاندر» میان فضاهای اصلی؛

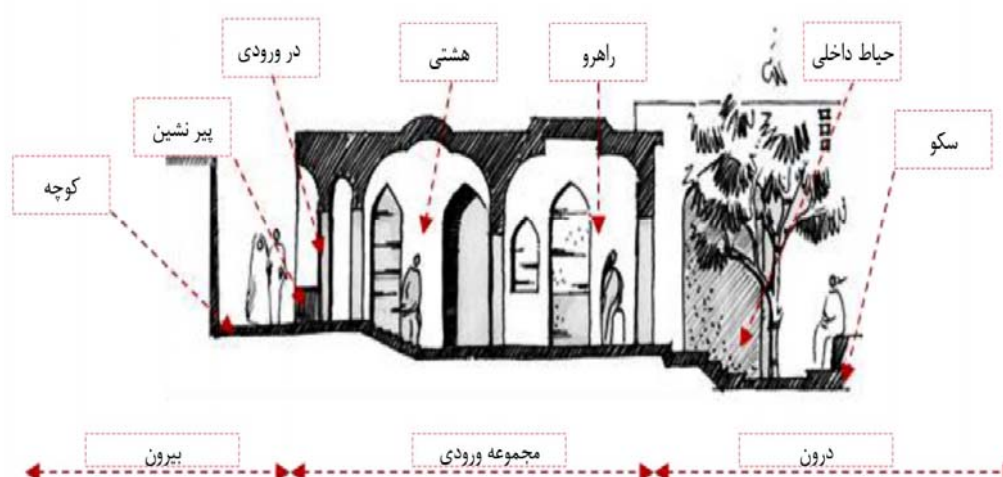
- پرهیز از یکپارچه کردن فضاها یا از میان بردن مرزها؛

- داشتن ویژگی‌ها و تمایزات کمی و کیفی هر فضا برای متمایز شدن و تفرد در بین فضاهای دیگر (نقره کار، ۱۳۸۷).

در یک تقسیم‌بندی کلی، سلسله مراتب فضاهای عمومی و خصوصی خانه در دوره‌های قبل را می‌توان در این شکل کلی ارائه کرد: فضاهای نیمه عمومی شهری، فضاهای عمومی خاص یک گروه (هشتی)، فضاهای

خصوصی خانوادگی (حیاط) و فضاهای خصوصی افراد (اتاق‌ها).

اسلام این نکته را به رسمیت می‌شناسد که حریم خصوصی هر فرد باید از تجاوز مصون باشد. از این‌رو، محل و نقشه خانه مسلمان، باید به گونه‌ای باشد که حریم خصوصی افراد خانه در برابر ورود بیگانگان حفظ شود. در معماری خانه‌های سنتی ایرانی نه تنها درون هیچ خانه‌ای از بیرون، قابل دید نبود؛ بلکه ورودی بسیاری از خانه‌ها به نحوی ساخته شده است که اگر در خانه نیز باز بماند، حیاط و درون خانه به هیچ وجه قابل مشاهده نباشد. در طراحی بسیاری از خانه‌ها، فضایی به عنوان پیش ورودی (هشتی) در نظر گرفته شده است که این فضا در کنار دالان و پله‌های دسترسی حیاط، سلسله مراتب ورود را شکل داده و به این ترتیب حریمیت فضای درون خانه را برای ساکنان تأمین می‌کرده است. شکل (۲) توجه به عدم دید مستقیم از ورودی به حیاط و فضاهای داخلی را که برای حفظ حریم در برابر افراد غریبه در خانه علاقه‌مند کاشان رعایت شده، نشان می‌دهد.



شکل ۲. توجه به نداشتن دید مستقیم از ورودی به حیاط و فضاهای داخلی و رعایت سلسله مراتب در خانه علاقه‌مند کاشان

مأخذ: نیری فلاح و همکاران، ۱۳۹۲

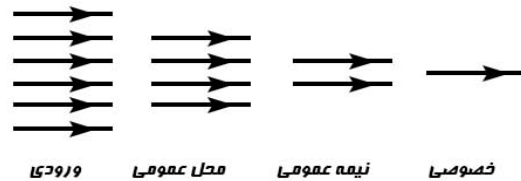
همچون آشپزخانه، سرویس‌ها و اتاق‌های استراحت را که معمولاً خانم‌ها بیشتر از آن استفاده می‌کردند؛ به گونه‌ای طراحی می‌شدند که در معرض دید عموم نباشند. اهمیت این مسئله به میزانی است که الکساندر در الگوی شماره

نمونه دیگر از حفظ سلسله مراتب در خانه‌های سنتی ایران در برابر افراد غریبه و مهمانان، پوشیدگی درونی خانه‌هاست؛ به گونه‌ای که خانواده هیچ‌گاه در معرض دید مهمانان نامحرم قرار نمی‌گرفتند و فضاهای خصوصی خانه

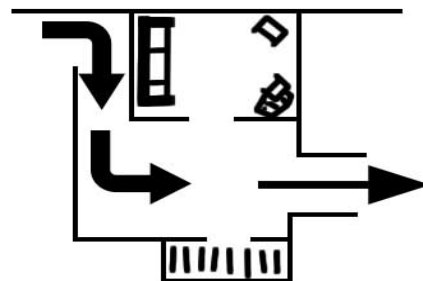
داده ها و روش کار

مطالعه حاضر پژوهشی کاربردی است که با روش توصیفی - تحلیلی، با تأکید بر روش استدلال منطقی تدوین شده است. بخش نظری با رویکرد کیفی با توجه به ادبیات نظری موجود در حوزه گونه شناسی و معیارهای مؤثر بر ارزیابی کیفیات فضایی حاصل در گونه‌های مختلف مسکونی، مورد تحلیل محتوا و بررسی قرار گرفت. بخش عملی تحقیق از طریق مورد پژوهی در طی دو مرحله انجام پذیرفت. در مرحله نخست، شناسایی خانه‌ها بر مبنای دوره‌های تاریخی، به واسطه مطالعات میدانی، برداشت، عکس برداری، ترسیم پلان خانه و همچنین، بهره‌گیری از مدارک و نقشه‌های موجود در شهرداری منطقه ۱۲ تهران صورت گرفت. در این مرحله، به دلیل محدودیت‌های تحقیق، مطالعات میدانی تنها معطوف به محلات امامزاده یحیی و سنگلج گردید. در شکل (۵) محل قرارگیری این محلات در منطقه ۱۲ تهران به تفکیک مشخص شده است. همچنین با توجه به پراکنده بودن خانه‌های تاریخی دوران قاجار و پهلوی در این محلات و عدم ثبت و شناخت کامل تمام نمونه‌ها توسط ارگان‌های ذی‌ربط، این فرایند در بازه زمانی سه ماهه به طول انجامید. در مرحله دوم کلیه خانه‌های واجد شرایط جهت پژوهش براساس اطلاعات برداشت شده میدانی و با استفاده از روش استدلال منطقی، مورد مقایسه، تحلیل و شناسایی قرار گرفت و عوامل مشترک به منظور انجام گونه-شناسی فضاهای تقسیم، با توجه به رویکرد تحقیق، مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. شکل ۶ خلاصه‌ای از روند پژوهش حاضر، معیار، ابزار و دستاورد هر بخش را نشان می‌دهد.

۱۳۲۷ خود، به نکته فضایی خصوصی اشاره نموده که ملاقات با افراد غریبه و دوستان در صورتی مورد پسند خواهد بود که حریم‌های شخصی افراد حفظ شود. وی معتقد است که فضاهای داخلی و خارجی یک ساختمان را باید به نحوی طراحی کرد که با یک ورودی شروع شود؛ به عمومی‌ترین بخش آن رسید و سپس به حریم‌های خصوصی و بالاخره به خصوصی‌ترین مناطق رسید (۳ و ۴) (الکساندر، ۱۳۸۹).

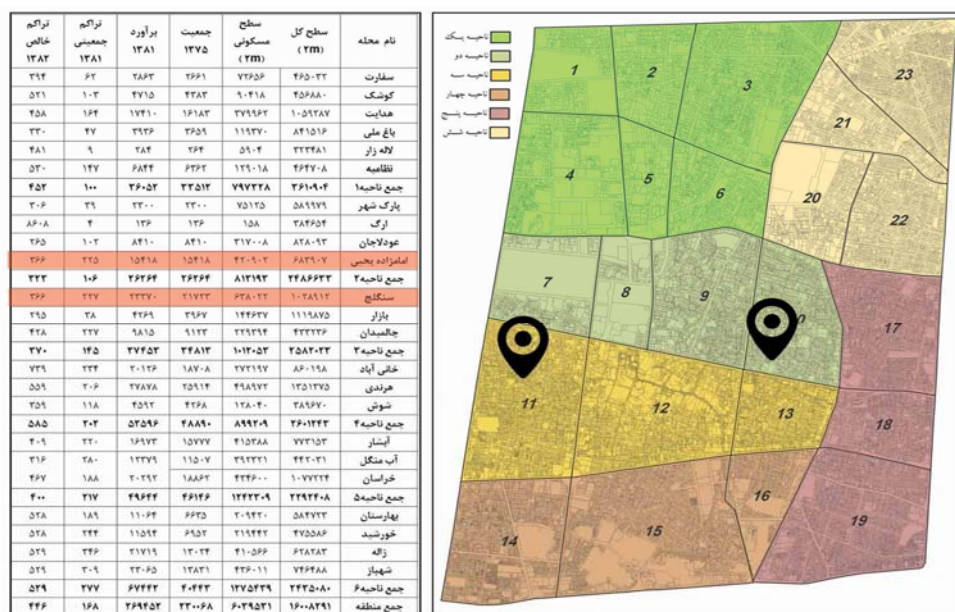


شکل ۳. سلسله مراتب ورود از دیدگاه الکساندر (بالا) و مطابقت این اصل با توصیه‌های اسلامی به لحاظ محرمیت
مأخذ: آرشيو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۲



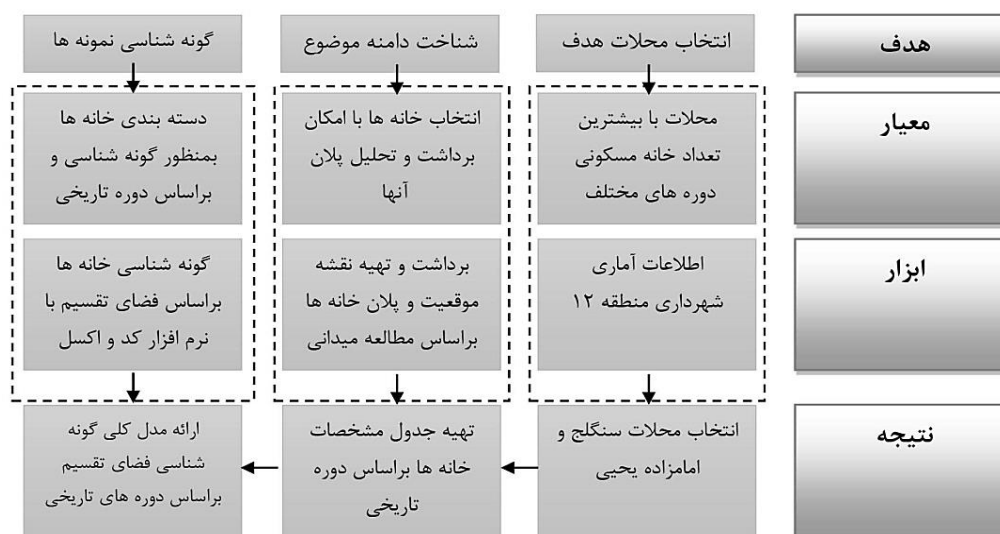
شکل ۴. طراحی فضاهای سلام و خداحافظی در قسمت ورودی خانه از دیدگاه الکساندر (پایین)
مأخذ: آرشيو دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۲

۲۲. الگوی شماره ۱۲۷ الکساندر به نام «گرادیان صمیمیت» معروف است. الکساندر در این الگو مطرح می‌کند که در هر ساختمان توجه به سلسله مراتب فضای عمومی به خصوصی بسیار با اهمیت است. در هر ساختمان، مردم نیاز به تنظیمات دارند که با توجه به درجات مختلف صمیمیت شکل گرفته است. اتاق خواب یا خلوت صمیمی‌ترین فضا است که به ترتیب بعد از آن فضاهای عمومی تری نظیر اتاق مطالعه، فضای نشیمن و آشپزخانه، فضای پذیرایی و نهایتاً ورودی خانه که عمومی‌ترین بخش خانه است، قرار دارند. زمانی که همچنین گرادیانی وجود داشته باشد، مردم می‌توانند در موقعیت‌های مختلف به دقت رفتار کنند.



شکل ۵. محله سنگلج و امام زاده یحیی و همسایگی آنها در منطقه ۱۲

مأخذ: طرح جامع تهران، ۱۳۸۵



شکل ۶. مراحل معیار و ابزار بخش‌های مختلف پژوهش

که واجد دو شرط ذیل بودند برداشت شد:

(الف) خانه‌هایی که هیچ گونه تغییری در پلان اولیه آنها توسط ساکنان صورت نگرفته بود.

(ب) خانه‌هایی که امکان رفت و آمد و برداشت در آنها وجود داشت. سایر نمونه‌ها نیز به دلیل دخل و تصرف در پلان اولیه از نمونه‌های انتخابی حذف شدند.

سرانجام در مجموع، بیش از ۷۰ خانه برای تحلیل

با توجه به دوره‌های تاریخی خانه‌های موجود در تهران که شامل قاجار، پهلوی اول، پهلوی دوم، معاصر اول و معاصر دوم می‌شد، جامعه آماری را طیف وسیعی از خانه‌های این دوره‌ها تشکیل داد. بدین منظور، براساس اطلاعات موجود در شهرداری منطقه ۱۲ و مطالعات میدانی به دست آمده، اسناد اولیه‌ای از خانه‌ها استخراج گردید. سپس از میان کل جامعه آماری، پلان خانه‌هایی

انتخاب و مورد برداشت قرار گرفت. از تداخل فعالیت‌ها در یکدیگر جلوگیری به عمل می‌آورند. (حائری، ۱۳۸۸: ۹۱).

شرح و تفسیر نتایج

- سلسله مراتب ورودی خانه در دوره‌های

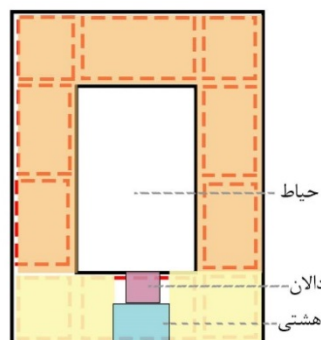
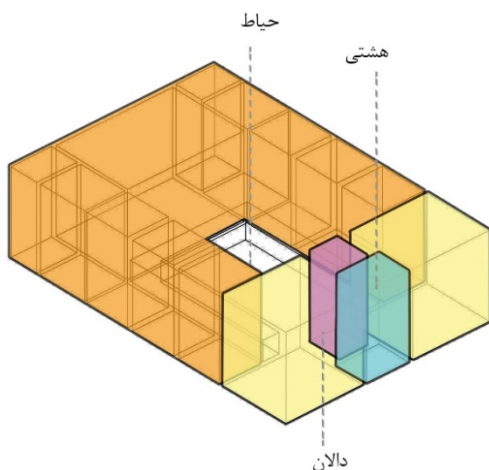
قاجار، پهلوی اول و دوم و نمونه‌های معاصر

در این بخش برای شناسایی مراحل دستیابی از فضای عمومی و شهری به فضای خصوصی خانه، تحلیل‌های مربوط به گونه‌شناسی سازمان فضایی سلسله مراتب ورود، ارائه می‌گردد. برای این منظور بیش از ۴۰ نمونه از نقشه خانه‌های معاصر و ۳۰ نمونه نقشه خانه‌های پهلوی و قاجار در محله‌های امام زاده یحیی و سنگلج، بررسی شده‌اند.

اصلی‌ترین ویژگی فضایی در سازماندهی خانه‌های تاریخی، وجود انواع فضاهای حد واسط (حریم) در آنها است. فضاهای حد واسط به طور همزمان، نقش مجزا کننده و متصل‌کننده اجزاء فضا به یکدیگر را به عهده داشته و مجموعه‌ای از فضاهای کاملاً خصوصی تا عمومی را در درون سازمان فضایی خانه ایجاد کرده اند، همچنین

- خانه‌های قاجار و سلسله مراتب ورود

بررسی‌های گونه‌شناسی در سازمان فضایی این خانه‌ها نشان می‌دهد که اجزاء فضایی تعریف‌کننده ورود، متشکل از درب ورودی، هشتی، دالان و سپس حیاط است. این سلسله مراتب علاوه بر تفاوت فرمی و مقیاسی از فضای عمومی به خصوصی، حریم‌های بصری متعددی را برای فضای نیمه‌خصوصی و خصوصی ایجاد کرده است. برای رسیدن به فضای خصوصی خانه، ابتدا توقفی در هشتی ورودی ایجاد شده و سپس حرکت و گذار از دالان به سمت حیاط امکان پذیر می‌شود. در مرحله بعد، حیاط به عنوان یک فضای زیستی، نقش فضای حد واسط بین فضاهای خدماتی، خصوصی و نیمه خصوصی را به عهده دارد.



شکل ۷. سلسله مراتب ورود در خانه‌های قاجار

فضایی این خانه‌ها نیز به شکل متفاوتی وجود دارد. حرکت از فضای عمومی به سمت فضای خصوصی خانه با عبور از درب ورودی آغاز شده و با توجه به شمالی یا جنوبی بودن استقرار خانه، دسترسی به حیاط یا راه پله امکان پذیر می‌شود. سپس در مرحله گذار از حیاط یا راه پله، که تفاوت

- خانه‌های پهلوی و سلسله مراتب ورود

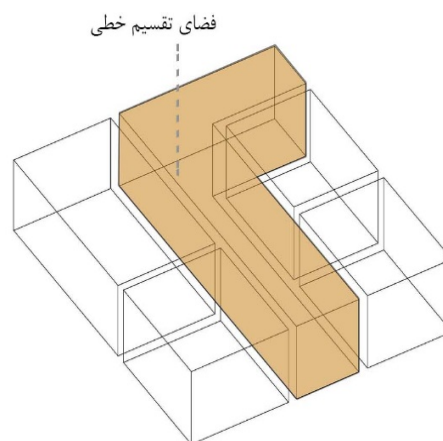
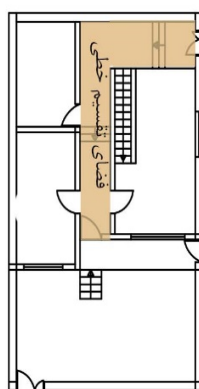
در نمونه‌های بررسی‌شده از خانه‌های مربوط به دوره‌های پهلوی اول و دوم، فضای حد واسط به شکل متفاوتی دیده می‌شود و به این ترتیب سلسله مراتب ورود در سازمان

عمده‌ای را با خانه‌های دوره قاجار ایجاد می‌کنند و آن تبدیل شدن نقش حیاط به عنوان یک فضای باز و زیست-پذیر به عنوان فضای تقسیم است. چنین فضاهای تقسیمی، در نمونه‌های مورد پژوهش به دو شکل متفاوت مشاهده می‌شوند:

الف) فضای تقسیم خطی (راهرو)

در خانه‌های پهلوی، فضای حیاط به عنوان فضای حد واسط (حریم) و یا فضای تقسیم استفاده نمی‌شود، در واقع حیاط به گوشه‌ای از خانه رانده شده و بین چندین واحد مسکونی به صورت مشاع استفاده می‌شود. در نهایت حیاط نقش خود را به عنوان یک فضای زیستی از دست

داده است. همان‌طور که گفته شد در نمونه‌های مربوط به این دوره، عبور از درب ورودی به راه پله و یا حیاط می‌رسیدند. این سلسله مراتب ورود در برخی از خانه‌ها به راهرویی ختم می‌شود که تمام فضاهای خانه از خصوصی تا عمومی و خدماتی به آن متصل‌اند. در واقع، این راهرو نقش مفصل را برای فضاهای خانه ایفا می‌کند. این فضای تقسیم خطی مانند حیاط در دوره‌های قبل فضای زیست نبود. به همین دلیل مانند حیاط هسته مرکزی محکمی برای خانه به حساب نمی‌آمد، اما فضایی بود که برای ایجاد حریمیت و سلسله مراتب ورود، مورد استفاده قرار می‌گرفت.

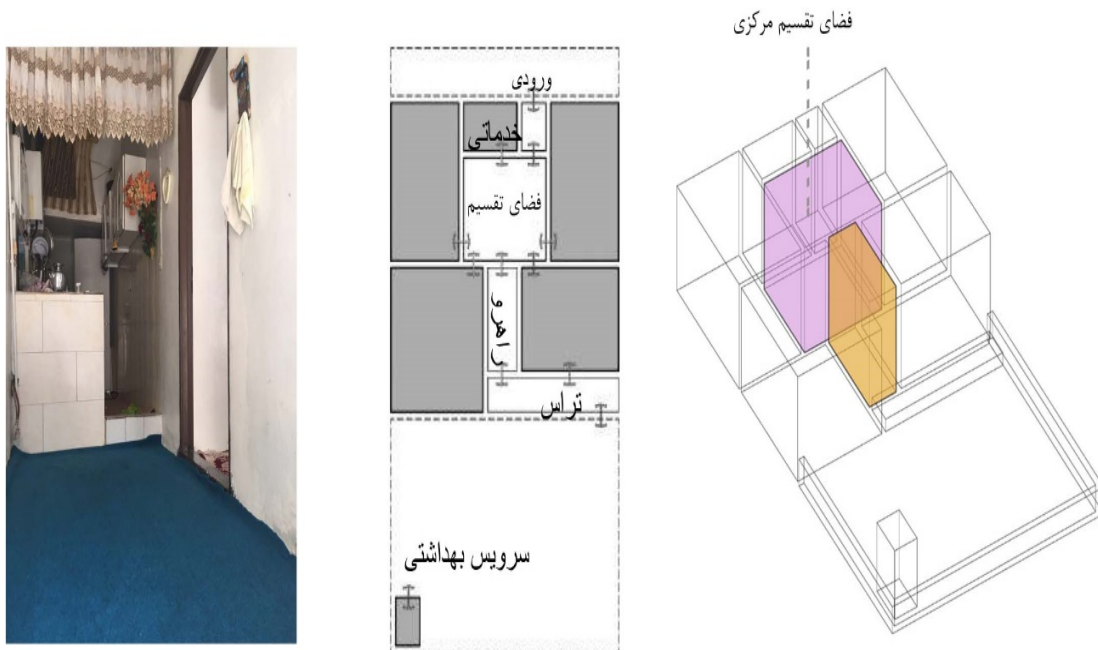


شکل ۸. سلسله مراتب ورود در خانه‌های پهلوی (راهرو به عنوان فضای تقسیم خطی به منظور دسترسی به فضاهای خصوصی)

ب) فضای تقسیم مرکزی

در برخی دیگر از گونه‌ها، فضای تقسیم مرکزی نقش حیاط خانه‌های قدیمی را بر عهده گرفته، به‌طوری‌که افراد بعد از گذر از مرز در وارد راهرو شده و بعد از در، به عنوان مرز فضای نیمه عمومی و عمومی وارد فضای تقسیم مرکزی می‌شده‌اند. این فضا در بسیاری از موارد تنها فضایی واسط بین سایر فضاهای خانه بوده است و به عنوان پذیرایی یا فضای نیمه خصوصی مورد استفاده قرار نمی‌گرفته است و سایر فضاهای خانه اعم از خصوصی و

خدماتی، در اطراف این فضای تقسیم مرکزی قرار می‌گرفتند. این فضا از لحاظ عملکردی به حیاط‌های قدیم نزدیک‌تر بود با این تفاوت که ارتباط آن با طبیعت جز با استفاده از گیاهان آپارتمانی میسر نمی‌شده است و از آنجایی که در مرکز خانه قرار داشته است نسبت به فضاهای دیگر از نور مستقیم برخوردار نبوده است. اما در مواردی با استفاده از دیوارهای کشویی قابلیت ترکیب با فضاهای دیگر را پیدا می‌کرد و در نتیجه فضای وسیع‌تر و پر نورتری پدید می‌آمد.



شکل ۹. سلسله مراتب ورود در خانه‌های پهلوی (فضای تقسیم مرکزی به منظور دسترسی به فضاهای خصوصی)

با مشکل دیگری نیز رو به رو هستیم: تبدیل شدن نشیمن و پذیرایی به فضای مابین و تقسیم. به طوری که برای رسیدن به فضاهای خدماتی و خصوصی باید از حال عبور کرد و این اتفاق سبب ایجاد فضای درهم^{۲۳} خواهد شد. فضایی که هر جا مبلمانی نباشد به فضای عبوری تبدیل می‌شود. در این صورت دو حالت روی می‌دهد:

– خانه‌های معاصر و سلسله مراتب ورود

در خانه‌های معاصر علاوه بر حذف حیاط به عنوان یک فضای ارتباطی و زیستی، تقلیل و حتی در بسیاری از موارد یا حذف فضای تقسیم مرکزی یا خطی زمان پهلوی در حد واسط فضای عمومی و خصوصی رخ می‌دهد و بررسی این نمونه‌ها، دوشکل متفاوت تغییر یافته را نشان می‌دهد:

۱. حذف فضای مابین در حوزه ورودی: تبدیل شدن «در ورودی» به تنها مرز بین فضای عمومی و خصوصی اتفاقی-ست که در خانه‌های معاصر خود را می‌نمایاند. در این حالت با باز شدن در، تمام فضای نیمه خصوصی نشیمن و یا حتی فضاهای خدماتی در معرض دید قرار می‌گیرند. در این صورت در تمام موارد بررسی شده در ورودی به روی سالن نشیمن و پذیرایی یا همان بخش نیمه خصوصی خانواده باز می‌شود، جایی که محل جمع شدن خانواده و محلی برای معاشرت و استراحت آنهاست. علاوه بر نقض حریم خانواده در این موارد

۲۳. ویژگی گروه فضاهای درهم، فقدان تعریف برای جزء فضاهای موجود در این گروه می‌باشد. حدود فضایی ورودی، نهارخوری و پذیرایی روشن نیست و سعی شده از طریق چیدمان اشیا و مبلمان، محدوده‌های فضایی، تعریف یا تکلیف شود (حائری، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

الف) تمام فضاها بدون واسطه در کنار فضای در هم قرار می‌گیرند:



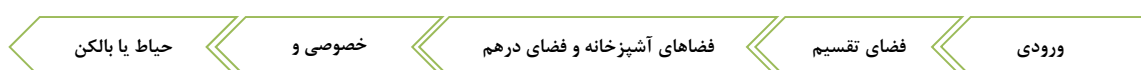
ب) فضاهای خصوصی و خدماتی به واسطه یک فضای تقسیم با فضای درهم در ارتباطند:



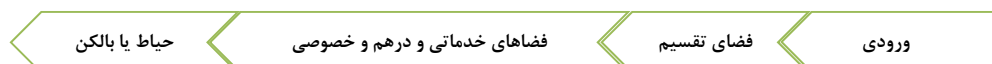
۲. قرار دادن فضای تقسیم بعد از در ورودی:

در این حالت معمولاً دو اتفاق روی می‌دهد. در دیگرام‌ها سلسله مراتب ورود این گونه‌ها دیده می‌شود:

الف) بعد از فیلتر به فضای فضای نشیمن و آشپزخانه می‌رسیم:



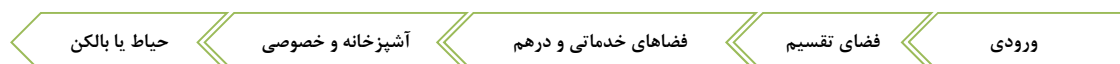
ب) بعد از فیلتر به فضای خدماتی، فضای درهم و آشپزخانه می‌رسیم:



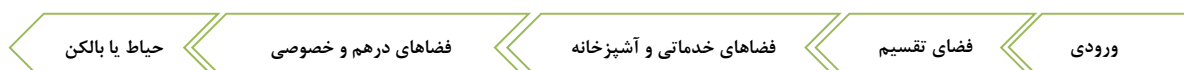
ج) بعد از فیلتر ورودی به فضای خدماتی آشپزخانه و عرصه خصوصی می‌رسیم:



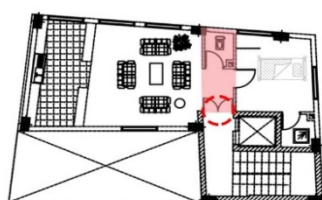
د) بعد از فیلتر به فضای خدماتی و فضای نشیمن و پذیرایی می‌رسیم:



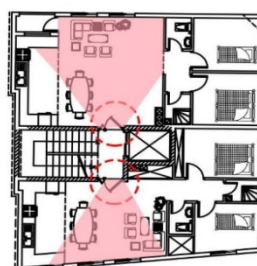
هـ) بعد از فیلتر به آشپزخانه و فضای خدماتی می‌رسیم:



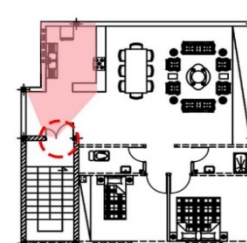
گونه دوم دیگرام‌های د و ه



گونه اول دیگرام‌های الف و ب



گونه ۲ دیگرام‌های ج و الف



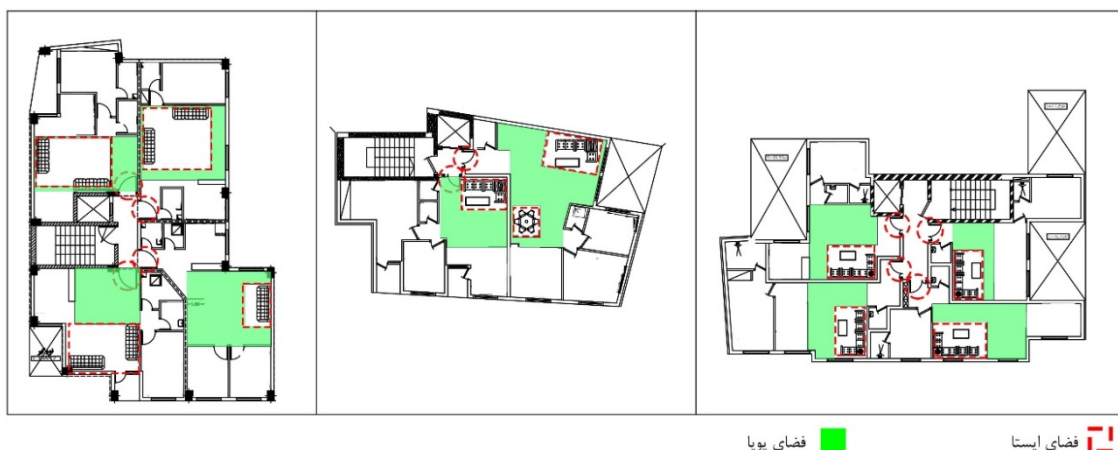
ورودی دید به درون خانه از ورودی

تصویر ۱۰. نفوذپذیری بصری بر اساس محل قرارگیری درب ورود و فیلتر ورودی در خانه‌های معاصر

در تمامی این موارد باز هم شاهد تبدیل شدن فضای نشیمن و پذیرایی به فضای درهم هستیم. این

مواردی حتی به دلیل کمبود فضا رفت آمد از بین مبلمان نیز صورت می‌گیرد مانند (شکل ۱۰) که فضای نشیمن، رابطی بین فضای خدماتی و اتاق‌های خواب است که به دلیل پایین بودن متراژ خانه وسایل طوری چیده شده که این فضای عبوری دقیقاً بین مبلمان شکل گرفته است.

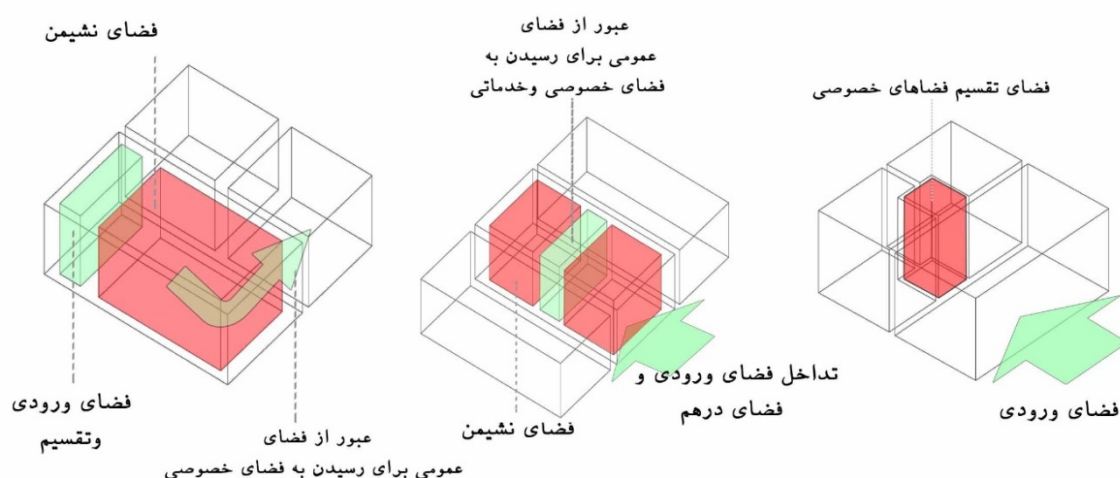
موضوع نه تنها باعث آشفتگی در فضای خصوصی خانه می‌شود بلکه حریم حوزه‌های عملکردی را نیز خدشه‌دار می‌کند، به‌طوری‌که با باز شدن در خانه، قسمت اعظمی از آن در معرض دید قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، فضای نشیمن و پذیرایی به فضای تقسیم تبدیل می‌شود و فضای عبوری و فضای نشیمن با هم تداخل پیدا می‌کنند. در



شکل ۱۱. ایجاد فضاهای درهم در خانه‌های امروزی به دنبال عدم وجود فضای تقسیم مناسب

ویژگی گروه فضاهای درهم، فقدان تعریف برای جزء عملکردهای موجود در آنها است. محدوده فضایی ورودی، ناهارخوری و پذیرایی روشن نبوده و صرفاً از طریق چیدن مبلمان، محدوده‌های فضایی، تعریف می‌شود. حریم‌های عبوری حذف و با فضاهای درهم مخلوط شده‌اند. بنابراین، فضاهای درهم چند جزء فضایی نیستند که به صورت ترکیب با یکدیگر طراحی شده باشند و، در عین حال، از استقلال برخوردار باشند. در اغلب موارد بسط چشم اندازی و نوری نیز برای این فضاهای درهم که بخش عمومی‌تر خانه‌اند فراهم نشده‌است. (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸). فضای درهم غالباً به فضاهای خصوصی و در مواردی به سرویس‌های بهداشتی دید دارد، و در حریم شخصی افراد اختلال ایجاد می‌کند.

با بررسی خانه‌های آپارتمانی در این منطقه، مشاهده می‌شود که حذف فضاهای مابین در محدوده ورودی بنا و حد واسط فضاهای عمومی، خصوصی و خدماتی، باعث نبود سلسله مراتب فضایی و حریم فضایی شده است. در ابتدای ورود به این خانه‌های آپارتمانی مواجه با فضای نشیمن و پذیرایی اتفاق می‌افتد. حوزه نشیمن و پذیرایی تبدیل به فضای گذر برای ورود به آشپزخانه و یا فضاهای خصوصی است. در چنین وضعیتی این فضا فاقد عملکرد خاص بوده و در صورت قرارگیری مبلمان در آن، حوزه عملکردی نشیمن تعریف می‌شود. این گونه فضاهای، به سبب اختلاط عملکردهای ایستایی همچون نشیمن و پذیرایی با فضاهای عبوری، فضاهای درهم نامیده می‌شوند.



شکل ۱۲. تداخل فضاهای عبوری و نشیمن در اثر عدم وجود فضای تقسیم مناسب

دستخوش تغییراتی شده‌است، این تغییرات بر حریم خصوصی افراد تأثیرات بسزایی داشته است. طبق آنچه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، گونه‌شناسی فضای ورودی و سلسله مراتب ورود خانه‌های منطقه ۱۲ تهران در ادوار تاریخی قاجار، پهلوی و معاصر به صورت زیر است:

- جمع‌بندی مربوط به ویژگی‌های گونه‌ها -

های مختلف

با توجه به گفته‌های پیشین و از مشاهده و بررسی خانه‌های تاریخی و معاصر منطقه ۱۲ تهران، به نظر می‌رسد که الگوی ورود به لحاظ کلبه‌ی در دوران های متفاوت

جدول ۱. جمع بندی گونه‌ها

گونه های شناسایی شده فضای ورود از قاجار تا معاصر.



قاجار	پهلوی اول و دوم	پهلوی اول و دوم	معاصر امروزی	معاصر امروزی
بعد از ورود فرد با عبور از هشتی (فضای مکث) و دالان به حیاط به عنوان رابط بین فضاهای خصوصی و خدماتی می‌رسد؛	بعد از فیلتر ورود، فضای تقسیم مرکزی رابط بین فضاهای خصوصی و خدماتی می‌شود؛	بعد از فیلتر ورودی، محوری عمودی رابط بین فضاهای خصوصی و خدماتی می‌شود.	وجود فضای تقسیم برای ورودی محرمیت نسبی برای فضای خانه ایجاد می‌کند؛ این فضا حداقل به یکی از فضاهای خصوصی مشرف است؛	ورودی تنها یک سطح عمودی است؛ تقلیل فضای ورودی به یک سطح عمودی باعث کاهش کارایی فضا می‌شود؛ چشم انداز ورودی به فضای داخلی اشرف دارد؛

فیلتر ورودی ■ فضای تقسیم ■ فضاهای خصوصی ■

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

به منظور تبیین الگوی گونه‌شناسی، مربوط به سلسله مراتب ورودی در خانه‌های محلات سنگلج و امام زاده یحیی، بیش از ۱۰۰ واحد مسکونی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج این پژوهش به وجود ۵ گونه متفاوت از ساختار کالبدی ورودی این خانه‌ها اشاره دارد.

در تحلیل این سلسله‌مراتب مربوط به خانه‌های قاجار و پهلوی، گونه‌بندی به شکل متفاوت دیده می‌شود. در واقع، برجسته‌ترین هدف، ایجاد کردن فضاهای حد واسط بین فضای بیرون و درون است. چنین هدفی برای دستیابی به محرمیت، برنامه‌ریزی شده و، بدین ترتیب، ساکنان خانه را در بدو ورود، برای گذار از خارج بنا به داخل و برعکس آماده می‌سازد.

در خانه‌های دوران قاجار، الگوی سلسله مراتبی ورودی، هشتی، دالان و حیاط قابل مشاهده است. این ساختار علاوه بر استفاده از طیف متنوعی از فضاهای متباین، باعث ایجاد حریم خصوصی برای ساکنان می‌شود. چنین سلسله مراتبی در ورودی خانه‌های پهلوی، پس از گذر از درب ورودی یا سیرکلاسیون عمودی، فضای تقسیم مرکزی یا خطی به عنوان حد واسط برای فضای خصوصی خانه مشاهده می‌شود.

در تحلیل خانه‌های معاصر، غالباً به منظور استفاده حداکثری از فضا، فضاهای تقسیم و تعریف به حداقل می‌رسد. بدین ترتیب، فضای تقسیم و حد واسط ورودی خانه - که پاسخ‌گویی به نیاز محرمیت را تأمین می‌کند- در بسیاری از موارد کاملاً حذف شده است. در نتیجه، شاهد تبدیل شدن فضای نشیمن و پذیرایی به فضای تقسیم یا حد واسطی مابین فضاهای خصوصی و خدماتی هستیم. این موضوع نهایتاً موجب تبدیل این فضاها به فضای درهم شده و اختلال در عملکردهای اصلی آن می‌شود.

پژوهش حاضر به منظور شناسایی و دسته‌بندی فضاهای مؤثر در ایجاد حریم مسکن ایران تلاش دارد. بر این اساس در نظر گرفتن فضای حد واسط یا تقسیم در خانه‌ها علاوه بر ایجاد محرمیت، موجب عرصه‌بندی فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی شده و از ایجاد اختلال در عملکرد سایر فضاها جلوگیری می‌شود.

منابع

- اردلان، نادر؛ بختیار، لاله (۱۳۸۰). *حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی*. ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان: نشر خاک.
- الکساندر، ک. (۱۳۸۹). *الگوهای استاندارد در معماری*، ترجمه فرشید حسینی، تهران: نشر مهرآزان.
- براتی، ناصر (۱۳۸۲). «بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی». *فصلنامه خیال*. شماره ۸.
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۶). «خانه و فرهنگ ایرانی». *مجله آبادی*. شماره ۵۵. صص ۱۲۳-۱۲۰.
- پالاسما، یوهانی (۱۳۸۹). «هویت، حریم خصوصی و مأوا». ترجمه امیر امجد. *صنعت سینما*. شماره ۹۷. ص ۱۱۷.
- توسلی محمود (۱۳۶۰). *ساخت شهر و معماری اقلیم گرم و خشک*. تهران: ناشر نویسنده.
- حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸). *خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرایند و معیارهای طراحی خانه*. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۰). *فرهنگ لغت*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روبوی، مصطفی؛ رحیمه، فرنگیس (۱۳۵۳). *معماری اقلیم گرم و نیم مرطوب دزفول و شوشتر*. تهران: دانشگاه تهران، انجمن دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا.
- سایت رسمی خبرگزاری مهر.
- سیفیان، م. ک.؛ محمودی، م. ر. (۱۳۸۶). «محرمیت در معماری سنتی ایران». *فصلنامه هویت شهر*. شماره ۱. صص ۱۴-۳.
- شایانفر، ش. (۱۳۸۷). «رویکردهای متمایز در معماری معاصر ژاپن». *مجله معماری و شهرسازی*. شماره ۵۴ و ۵۵.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۱). «نحو فضای معماری». *مجله صفا*. شماره ۳۵. صص ۸۳-۷۵.
- ناری قمی، م. (۱۳۸۹). «مطالعاتی معناشناختی در باب مفهوم درون‌گرایی در شهر اسلامی». *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*. شماره ۴۳. صص ۸۲-۶۹.
- نقی‌زاده، م. (۱۳۷۹). *حکمت سلسله مراتب در معماری و شهرسازی*. مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی.
- نیری فلاح، س.؛ خلیلی، ا.؛ تاج‌الدین، م. (۱۳۹۲). *لایه‌های*

- های تاریخی. شماره ۱. صص ۲۱۱-۱۵۵.
- طیبیان، منوچهر؛ چریگو، نصیبه؛ عبداللهی مهر، انسیه (۱۳۹۰). «بازتاب اصل سلسله مراتب در شهرهای ایرانی-اسلامی». شماره ۷. صص ۷۶-۶۳.
- موریس، جیمز (۱۳۸۵). *تاریخ شکل شهر*. ترجمه راضیه رضازاده. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- محرمیت در خانه‌های سنتی ایران، نماد الگوی دینی در زندگی خانواده. کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نصر، س. ح. (۱۳۸۰). *معرفت و امر قدسی*. ترجمه فرزاد حاجی میرزایی. تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- همایون، غلامعلی (۱۳۵۶). «روستای کندوان». *مجله بررسی-معماری* ۱۳(۱): ۱۰۵-۱۱۵.
- Altman, I. (1975). *The environment and social Behavior*. Brooks/ Cole Monterey. CA.
- Altman, I. & Setha Law (ed.) (1992). *Place Attachment*. Plenum press. New York.
- Decarlo, G. (1985). *The Logic Political economy, William Blackwood and son publication*. De Quincey T.s. *Recollections of the Lakes and the Lake Poets*. David Wright. ed. New York, Penguin Books. 1970.
- Hillier, B.; Honson, J. & Peponis, J. (1984). "What do we mean by building Function? ". (E. J. Powell, Ed.) *Designing for Building Utilisation*. Pp. 61-72.
- Georgiou, M. (2006). *Architectural Privacy: a topological approach to relational design problems*. Unpublished Master of Science, Bartlett school of graduate studies. University College London.
- Memarian Gh. (1998). *House Tyoplogy in Iran*. (ph.D Thesis). Manchester, U.K.
- Madanipour, A. (2003). *Public and private Spaces of the City*. London. New York: Routledge.
- Orhun, D.; Hillier, B. & Hanson, J. (1995). "Spatial Types in traditional Turkish Houses". *Environment and Planning B*. 22 (4). Pp. 475-498.
- Marcus, C.C. (2003). "The house as a Symbol of the Self". Translated by Ahad Aligholian. *Journal of Khia*. 5. Pp. 84-119.
- Parker, S. (2004). *Urban theory and the Urban experience: encountering the city*. Porker, London: Routledge.
- Witte, N. (2003). *Privacy: Architecture in Support of Privacy Regulation*. Architectural thesis, Cincinnati University of Cincinnati. P. 79.
- www.anthropology.ir
- www.Kids.britannica.com
- www.tebyan.net